

فہم فقہی و سیاست معاصر



فہم فقہی و سیاست معاصر

منصور میراحمدی

استاد تمام گروہ علوم سیاسی، دانشگاه شهید بہشتی



سرشناسه: میراحمدی، منصور، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور: فهم فقهی و سیاست معاصر/منصور میراحمدی.
مشخصات نشر: تهران؛ لوگوس، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص، ۱۴/۵×۲۱×۵ س.م.
شابک: ۶-۵۷-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: علوم سیاسی (فقه)
موضوع: Political science (Islamic law)
رده‌بندی کنگره: PB۱۹۸/۶
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۹
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۲۷۶۴۱۰



لوگوس

فهم فقهی و سیاست معاصر
منصور میراحمدی

ویراستار: مهدی وجدانی
طراح جلد: حسین راسمت‌منش
چاپ اول: ۱۳۹۹
شابک: ۶-۵۷-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۷۸
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار.....
۵.....	فصل ۱. مسئله و روش.....
۵.....	۱.۱ مقدمه.....
۶.....	۲.۱ مسئله فهم فقهی.....
۱۷.....	۱.۲.۱ ماهیت فهم فقهی.....
۲۷.....	۲.۲.۱ گونه‌شناسی فهم فقهی در دوران معاصر.....
۳۹.....	۳.۱ روش.....
۴۷.....	۴.۱ جمع‌بندی.....
۴۹.....	فصل ۲. فهم نوگرایانه فقهی و سیاست معاصر: فهم مقاصدی.....
۴۹.....	۱.۲ مقدمه.....
۵۰.....	۲.۲ نگاه به دین.....
۵۰.....	۱.۲.۲ رویکرد دین‌شناختی.....
۵۲.....	۲.۲.۲ الگوی روش شناختی.....
۵۷.....	۳.۲.۲ ماهیت دین.....
۵۹.....	۴.۲.۲ قلمرو دین.....
۶۱.....	۳.۲ نگاه به سنت فقهی.....
۶۱.....	۱.۳.۲ سنت فقهی اهل سنت و تجدد.....
۶۳.....	۲.۳.۲ سنت فقهی.....
۶۵.....	۴.۲ نگاه به آینده.....
۶۶.....	۱.۴.۲ جهان اسلام.....
۶۹.....	۲.۴.۲ دولت اسلامی.....
۷۴.....	۵.۳ جمع‌بندی.....
۷۷.....	فصل ۳. فهم نوگرایانه فقهی و سیاست معاصر: فهم اجتهادی.....
۷۷.....	۱.۳ مقدمه.....
۷۸.....	۲.۳ نگاه به دین.....
۷۸.....	۱.۲.۳ رویکرد دین‌شناختی.....
۸۰.....	۲.۲.۳ الگوی روش شناختی.....
۸۶.....	۳.۲.۳ ماهیت دین.....

۸۹	۴.۲.۳ قلمرو دین
۹۰	۳.۳ نگاه به سنت فقهی
۹۱	۱.۳.۳ سنت فقهی شیعه و تجدد
۹۳	۲.۳.۳ سنت فقهی
۹۵	۴.۳ نگاه به آینده
۹۶	۱.۴.۳ جهان اسلام
۹۸	۲.۴.۳ دولت اسلامی
۱۰۸	۵.۳ جمع بندی
۱۱۱	فصل ۴. فهم تجددگرایانه فقهی و سیاست معاصر: فهم هرمنوتیکی
۱۱۱	۱.۴ مقدمه
۱۱۳	۲.۴ نگاه به دین
۱۱۴	۱.۲.۴ رویکرد دین شناختی
۱۱۵	۲.۲.۴ الگوی روش شناختی
۱۱۷	۳.۲.۴ ماهیت دین
۱۱۹	۴.۲.۴ قلمرو دین
۱۲۱	۳.۴ نگاه به سنت فقهی
۱۲۱	۱.۳.۴ سنت فقهی و تجدد
۱۲۴	۲.۳.۴ سنت فقهی
۱۲۶	۴.۴ نگاه به آینده
۱۲۶	۱.۴.۴ جهان اسلام
۱۲۹	۲.۴.۴ دولت اسلامی
۱۳۴	۵.۴ جمع بندی
۱۳۷	فصل ۵. فهم سلف‌گرایانه فقهی و سیاست معاصر: فهم سلفی-تکفیری
۱۳۷	۱.۵ مقدمه
۱۳۸	۲.۵ نگاه به دین
۱۳۹	۱.۲.۵ رویکرد دین شناختی
۱۴۰	۲.۲.۵ الگوی روش شناختی
۱۴۱	۳.۲.۵ ماهیت دین
۱۴۲	۴.۲.۵ قلمرو دین
۱۴۳	۳.۵ نگاه به سنت فقهی

۱۴۳	۱.۳.۵ سنت فقهی و تجدد
۱۴۵	۲.۳.۵ سنت فقهی
۱۴۶	۴.۵ نگاه به آینده
۱۴۶	۱.۴.۵ جهان اسلام
۱۵۴	۲.۴.۵ دولت اسلامی
۱۵۸	۵.۵ جمع بندی
۱۶۱	فصل ۶. فهم سنت گرایانه فقهی و سیاست معاصر: فهم سنتی تقریب‌ستیز
۱۶۱	۱.۶ مقدمه
۱۶۲	۲.۶ نگاه به دین
۱۶۳	۱.۲.۶ رویکرد دین‌شناختی
۱۶۴	۲.۲.۶ الگوی روش‌شناختی
۱۶۵	۳.۲.۶ ماهیت دین
۱۶۸	۴.۲.۶ قلمرو دین
۱۷۱	۳.۶ نگاه به سنت فقهی
۱۷۱	۱.۳.۶ سنت فقهی و تجدد
۱۷۱	۲.۳.۶ سنت فقهی
۱۷۴	۴.۶ نگاه به آینده
۱۷۴	۱.۴.۶ جهان اسلام
۱۷۶	۲.۴.۶ دولت اسلامی
۱۷۷	۵.۶ جمع بندی
۱۷۹	فصل ۷. مقایسه و سخن پایانی
۱۷۹	۱.۷ مقدمه
۱۸۰	۲.۷ نگاه به دین
۱۸۳	۳.۷ نگاه به سنت فقهی
۱۸۵	۴.۷ نگاه به آینده
۱۸۹	۵.۷ سخن پایانی
۲۰۳	منابع
۲۰۹	نمایه

پیشگفتار

اگر بپذیریم که فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران گذشته بیش از هر دانشی وام‌دار دانش فقه بوده است و اگر به این گزاره باور داشته باشیم که این فرهنگ و تمدن در کنار دیگر دانش‌های اسلامی بر بنیاد فقه استوار گردیده است، اهمیت دانش فقه بیش از پیش نمایان می‌گردد. دانش فقه قواعد ایمانی خاصی را برای زندگی مؤمنانه در اختیار قرار داده است که تمدن اسلامی بر شالوده آن قواعد، سبک زندگی خاصی را به منزله سطح فرهنگی آن تمدن تنظیم و ترویج نموده است. از این رو، دانش فقه همراه با دانش اخلاق نقش تعیین‌کننده‌ای در تدارک هنجارها و ارزش‌های فرهنگی تمدن اسلامی در دوران گذشته ایفا کرده است.

دوران معاصر تفاوت معناداری با دوران گذشته به دلیل زندگی مسلمانان در وضعیت زوال تمدن اسلامی پیدا کرده است. اگرچه معاصرت زندگی امروز مسلمانان با تمدن غربی هم‌زمانی و هم‌افقی دو گونه زندگی را به وجود آورده است، نمی‌توان در چنین وضعیتی زندگی مسلمانان را در جهت افق معنایی تمدن غربی دانست، همچنان که در تمایز معنایی خاصی با تمدن اسلامی گذشته قرار دارد. بدین ترتیب، این دوران در دوره گذار تمدنی قرار گرفته است. با وجود این، چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان در چنین وضعیتی نیز به غیاب دانش فقه در سیاست معاصر حکم کرد. سیاست معاصر در کشورهای اسلامی همچنان با

فقه ارتباط معناداری داشته و این دانش دست‌کم نقش و سهم درخوری در تحولات سیاسی-اجتماعی در جوامع اسلامی معاصر ایفا کرده است. از این رو، نمی‌توان بدون توجه به نقش و جایگاه فقه به تحلیل سیاست معاصر در کشورهای اسلامی پرداخت.

با وجود این، به نظر می‌رسد بتوان از زاویه دیگری نیز به تحلیل سیاست معاصر در کشورهای اسلامی پرداخت. مسئله «فهم فقهی» و نسبت آن با سیاست معاصر زاویه‌ای است که کمتر بدان پرداخته شده است. چنین به نظر می‌رسد که در دوران معاصر، آنچه آغازگاه اندیشه بسیاری از اندیشمندان مسلمان را شکل می‌دهد فهم فقهی آنان است. به باور صاحب این قلم، قبل از نسبت‌سنجی دانش فقه و سیاست که در جای خود سودمند و ضروری است، شاید نسبت‌سنجی فهم فقهی فقیهان با سیاست مناسب‌تر باشد. آنچه بیشتر و مستقیم‌تر با نگرش به سیاست معاصر در کشورهای اسلامی ارتباط برقرار می‌کند فهم فقهی فقیهان و نه دانش فقه است. تمایز این دو و نه تباین آن‌ها امری روشن به حساب می‌آید. اگرچه فهم فقیهان در دستگاه دانش فقه شکل می‌گیرد، بسیار واضح است که نمی‌توان رابطه این‌همانی میان این دو برقرار کرد. به هر روی، از چشم‌انداز پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد نوع فهم فقهی فقیهان ارتباط مستقیمی با شناخت آنان از سیاست و مناسبات سیاسی در دوران معاصر دارد. بدین ترتیب، مدعای پژوهش حاضر ارتباط مستقیم فهم فقهی و سیاست معاصر در کشورهای اسلامی است و از آنجاکه فهم فقهی امری متکثر است، دیدگاه‌های فقهی متکثر و متعددی (در دوران معاصر) در میان فقیهان در مورد سیاست شکل گرفته است.

در پژوهش حاضر، با تکیه بر مفروضات ایده «فهم فقه» اولاً درصدد فهم «فهم فقهی» فقیهان هستیم، و ثانیاً تأثیر فهم آنان بر تحلیلشان از سیاست معاصر را بررسی می‌کنیم. هدف اساسی این پژوهش نشان دادن ارتباط معنادار فهم فقهی با تحلیل سیاست معاصر در کشورهای اسلامی است. به زعم نگارنده می‌توان از طریق ارتباط برقرار کردن میان نوع فهم فقهی فقیهان و دیدگاه آنان درباره سیاست معاصر، به دیدگاه‌های فقهی مختلف در کشورهای اسلامی دست یافت. افزون بر این، باتوجه به تعدد دیدگاه‌ها، جریان‌های فکری و اندیشمندان مسلمان به طور عام و فقیهان به طور خاص، طبقه‌بندی و دسته‌بندی افکار و

اندیشه‌های آنان گریزن‌ناپذیر است. اگرچه هدف اساسی پژوهش حاضر دستیابی به دیدگاه‌های فقهی مذکور در زمینه سیاست معاصر است، تلاش می‌شود با نگاهی تطبیقی و با به‌کارگیری شاخص‌های مشترک به مقایسه این دیدگاه‌ها هم پرداخته شود. به نظر می‌رسد، این مقایسه می‌تواند ما را به فهم مناسبی از این دیدگاه‌ها برساند، و امکان قضاوت درباره این فهم‌ها و دیدگاه‌ها را فراهم کند. احتمالاً از طریق چنین قضاوتی می‌توان به سهم خود در نقش پژوهشگر، مقدمات تدوین راهبرد متناسب برای تحولات آتی کشورهای اسلامی را فراهم ساخت.

در راستای رسیدن به چنین هدف پژوهشی‌ای پس از تمهید مقدمات نظری و بیان مسئله اصلی پژوهش و اشاره به روش آن و برپایه رویکرد حاکم بر آن به گونه‌شناسی فهم‌های فقهی عمده در دوران معاصر می‌پردازیم. تبیین جداگانه فهم‌های فقهی و تبیین دیدگاه طرفداران هریک از آن‌ها در مورد سیاست معاصر با شاخص‌های انتخابی‌ای که در فصل اول خواهد آمد، موضوع فصول بعدی این پژوهش خواهد بود. و در نهایت، پس از مقایسه فهم‌های فقهی مذکور، در قالب سخن پایانی، بررسی انتقادی خود از این فهم‌ها را به منظور ایضاح فهم و دیدگاه منتخب پژوهش ارائه می‌کنیم. از این رو، در هریک از فصول اختصاص یافته به فهم‌های فقهی مورد نظر فقط به توضیح فهم‌های مذکور و نسبت آن‌ها با سیاست معاصر پرداخته خواهد شد. نگاه انتقادی به آن‌ها یا انتخاب برخی از آن‌ها به همراه افزوده‌های نظری و مفهومی جداگانه در سخن پایانی آورده می‌شود.

